

دفاع رادیو «سخن هفته» از هیتلر و جنایات او در استکهلم!

بهرام رحمانی

bamdadpress@telia.com

دیشب دوازدهم مه ۲۰۰۶، دوستی زنگ زد و گفت اگر فرصت دارید رادیو «سخن هفته» را گوش کنید. مسئول و گوینده این رادیو یکی از چهره‌های شناخته شده طرفدار رضا پهلوی، به نام آقای حسن اعتمادی است. کسانی که در برنامه‌های ایشان سخن می‌رانند برای برقراری مجدد سلطنت پهلوی تلاش می‌کنند و در این راه چشمان خود را به واقعیت‌های تاریخی می‌بندند و هر آنچه دهانشان می‌آید نثار گرایش چپ جامعه می‌کنند. و با جعل و تحریف تاریخ، در جهت تیرئه حکومت دیکتاتوری پهلوی می‌کوشند.

یکی از اشخاصی که هر هفته در این رادیو سخن می‌راند، آقای دکتر «ستوده» است که زبان-شناس و استاد دانشگاه معرفی می‌گردد. ایشان تمام سعی خود را به کار می‌اندازد تا فسیل‌های تاریخی را از قعر گورستان تاریخ بیرون می‌کشد تا به شنوندگان خود بقبولاند که شاهان ایران، رهبران «عادل» و «آزادی‌خواه» بودند. ایشان همچنین مبلغ دین زرتشت است. ستوده، با یک چرخش زبان، همه ملیت‌ها و زبان‌های مختلف ایران را نفی می‌کند و غیر از زبان و ملیت فارس، بقیه را دشمن می‌نامد. وی به ویژه درباره نیروهای چپ با زبان زشت و زمخت و زنده حرف می‌زند و از الفاض چندش‌آوری استفاده می‌کند.

در برنامه جمعه شب رادیو سخن هفته، هم مجری رادیو و هم دکتر ستوده، پرچم فاشیسم را با وقاحت بالا برده بودند و ستوده آن‌چنان در وصف هیتلر به سر و کله خود می‌زد که انگار از عزیزترین یار و یاور نزدیک خود یاد می‌کند. کشتارهای میلیونی و اشغال کشورها توسط ارتش فاشیسم را به زبان می‌آورد، اما به دلیل این که رضا شاه با او هم عقیده بود و در بلوک فاشیسم قرار داشت، از سقوط هیتلر ابراز ناراحتی می‌کند و با خشم بر علیه ارتش سرخ شوروی که هیتلر را سرنگون کرد، سخن می‌راند. ستوده بارها تاکید کرد که من از سقوط هیتلر توسط ارتش سرخ شوروی، ناراحت هستم. زیرا هیتلر دو بار به حکومت پهلوی ذوب‌آهن داد، راه‌آهن ایران راه-اندازی شد و به رضا شاه کبیر کمک‌های فراوانی کرد. در جنگ دوم جهانی رضا شاه، در کنار هیتلر قرار گرفت. هنگامی که هیتلر سقوط کرد متفقین رضا شاه را از حکومت برداشتند و تبعید کردند. اگر هیتلر سقوط نمی‌کرد اکنون کشور ما در جای دیگری بود. هیتلر از شاهنشاه من حمایت می‌کرد و من از آن پشتیبانی می‌کنم، ژرمن‌ها به ما کمک کردند. اگر هیتلر یهودی‌ها و دیگران را کشت و کشورهای دیگر را اشغال کرد به من چه ربطی دارد، در عوض به کشور من و شاهنشاه ما کمک کرد. زمانی که نازی‌ها آلمان را رهبری می‌کردند دو بار به ما ذوب‌آهن دادند، راه‌آهن دادند، من از آن خرسندم. من از آن پشتیبانی می‌کنم، من می‌خواهم در آن دوره شوروی سر به تنش نبود. زمانی که شاه ایران با چشمان خونین بود، شوروی، ژرمن را برداشت و به ایران فشار آورد. روسیه پتیاره بود من آن را زار و خوار می‌خواهم. من در شهر اردبیل بودم، ما زمین‌گیر شدیم. نتوانستیم پیش برویم. من نمی‌خواستم هیچ‌گاه ژرمن برود.

مجری برنامه می‌گوید: دکتر ستوده، برخی می‌گویند شما در سخنان‌تان از پتیاره استفاده می‌کنید بدون توجه به سخنان دانشگاهی شما حرف می‌زنند پتیاره از نظر آنان یعنی زن تن‌فروش. امشب هم چنین کردید و درباره ارتش سرخ و شکست ژرمن‌ها لطفاً دوباره توضیح دهید. من سپاسگزارم توضیح دادید که شما طرفدار هیتلر بودید و به منافع کشورمان تاکید کردید.

ستوده، چنین ادامه می‌دهد، آموزش‌های فنی و هنرستان و راه‌آهن و جاده‌های اتوبان از زبان ژرمنی گرفته شده است، از آن زمان گرفته شده است. این‌ها را ژرمن‌ها به ما داده است، چه بخواهید و چه نخواهید، خوش‌تان بیاید و نیاید ما حتی اسم بچه‌هایمان را گذاشتیم هیتلر. این کام به کام مردم ایران بود، رضا شاه بزرگ دل مردم ایران را خنک کرده بود. این شاهنشاه گرانمایه ارتش ایران را در شهرها به نمایش می‌گذاشت. مردم می‌گفتند بارک‌الله ارتش ایران می‌رود شهرهای قفقاز را بگیرد... من آن ایرانی هستم که می‌خواهم سر روسیه را کوبیده باشم. آن‌هایی که حقوق بشر را زمان شاه درست کردند چرا الان نیست این‌ها دشمنان ایران هستند. داس و چکش سر شما را بریده و گردن شما را شکسته، بروید ایران را نگاه کنید... نشانه‌های شاهنشاهان بزرگ را می‌بینید...

مجری می‌گوید، بسیار سپاسگزارم آقای دکتر ستوده... شنونده‌ای زنگ زدند و سخنان شما را باور نمی‌کردند... متشکرم که نظر خودتان را در برابر ارتش سرخ و ژرمن‌ها توضیح دادید.

بدین ترتیب، رادیو سخن هفته و دست‌اندرکاران آن و همکارانشان به جایی رسیده‌اند که رسماً و علناً از هیتلر دفاع می‌کنند و گرایش فاشیستی خود را با دفاع از هیتلر، و با دفاع از خانواده پهلوی فاشیست، به جامعه اعلام می‌کنند. نظرشان بر این است که اگر هیتلر جهان را نابود می‌کرد و میلیون‌ها انسان را به خاک و خون می‌کشید، به ما چه ربطی دارد، در عوض رضا شاه هم نظر هیتلر بود و در بلوک‌بندی‌های جهانی در جبهه فاشیست قرار داشت. از این رو باید ارتش شوروی شکست می‌خورد و حکومت هیتلر، باقی می‌ماند آن موقع رضا شاه هم باقی می‌ماند. می‌دانیم که این نوع تبلیغات در دفاع از هیتلر و استفاده از آرم‌ها و علائم فاشیسم در سوئد و غرب ممنوع است، از این رو می‌توان در دفاع از حرمت انسان و در دفاع از حقوق میلیون‌ها یهودی، رهبران کارگری، کمونیست، کولی‌ها، و حتی معلولین را که در کوره‌های آدم‌سوزی هیتلر زنده زنده سوزاندند و میلیون‌ها انسان در کشورهای مختلفی که به اشغال نیروهای فاشیسم درآمده بود به خاک و خون کشیده شدند، شکایت کرد.

خلاصه کلام، این رادیو در دفاع از جنایات سلسله پهلوی و در دشمنی و خصومت با جنبش کارگری کمونیستی و جنبش‌های حق‌طلب مردم تحت ستم مانند جنبش انقلابی مردم آزادی‌خواه کردستان و نفی همه ملیت‌های دیگر در ایران و با تاکید به پان‌فارسیسم، پرچم فاشیست را برافراشته و در کنار هیتلر قرار گرفته‌اند. از سوی دیگر سلطنت‌طلبان و دیگر ناسیونالیست‌ها با بی‌صبری در انتظار برگزاری «کنگره ملی ایران» توسط آمریکا، محاصره اقتصادی و حمله نظامی آمریکا و متحدانش به این کشور، شب‌ها و روزهای پراکنده‌ای را از سر می‌گذارند، به معاملات سیاسی مخفی و علنی دست می‌زنند تا بلکه سوار بر تانک‌های آمریکایی از روی انبوه کشته‌ها و ویرانه‌ها بگذرند و بار دیگر بساط سلطنت خود را در این کشور پهن نمایند؟! اما چرتشان هنگامی پاره می‌شود که جنبش کارگری کمونیستی قدرت‌مند، جنبش زنان، جنبش جوانان و دانشجویان و مردم تحت ستم و آزادی‌خواه و برابری‌طلب در پیوند و اتحاد با یکدیگر در حال

رشد و گسترش و پیشروی در صحنه سیاسی و اجتماعی سراسر ایران می‌بینند. جنبش‌هایی که افق و چشم‌انداز سرنگونی جمهوری اسلامی و برپایی جامعه نوینی را در مقابل کل جامعه قرار داده‌اند، در عین حال مخالف هرگونه تحریم اقتصادی و حمله نظامی به کشور خودشان هستند، زیرا در سال‌های اخیر این فاجعه عظیم انسانی را در همسایگی خود در عراق و افغانستان می‌بینند.

شکی نیست که فاشیسم، مذهب و ناسیونالیسم، این گرایش‌ها پوسیده و خرافی بورژوازی، در طول تاریخ بشری، عامل اصلی بسیاری از قتل‌عام‌ها و جنگ‌ها و کشتارها بوده‌اند. در حال حاضر نیز این گرایش‌ها چه در نقش اپوزیسیون و چه در نقش حاکمیت به ویژه در کشورهای آفریقایی و آسیایی، همچنان به آفریدن رعب و وحشت و ترور و جهل و جنایت بر علیه بشریت مشغولند. ناسیونالیسم، از هر نوعش لایه بسیار نازکی با فاشیسم دارد، یعنی اگر ناسیونالیسم کمی خراش داده شود، افکار فاشیستی بیرون می‌زند. جمهوری اسلامی، از دل چرکین حکومت پهلوی که اتکایش به خرافات ناسیونالیستی و مذهبی تحت کنترل حکومت بود، بیرون زد و انقلاب ۱۳۵۷ مردم ایران را به خونین‌ترین شکلی سرکوب کرد. بنابراین هم حکومت سرنگون شده پهلوی یک حکومت فاشیستی بود و هم جمهوری اسلامی. مسلماً با سرنگونی جمهوری اسلامی از طریق یک انقلاب اجتماعی، جامعه ایران از شر ناسیونالیسم و مذهب رهایی یافته و جامعه آزاد و برابر و انسانی خود را خواهد ساخت.

سیزدهم مه ۲۰۰۶